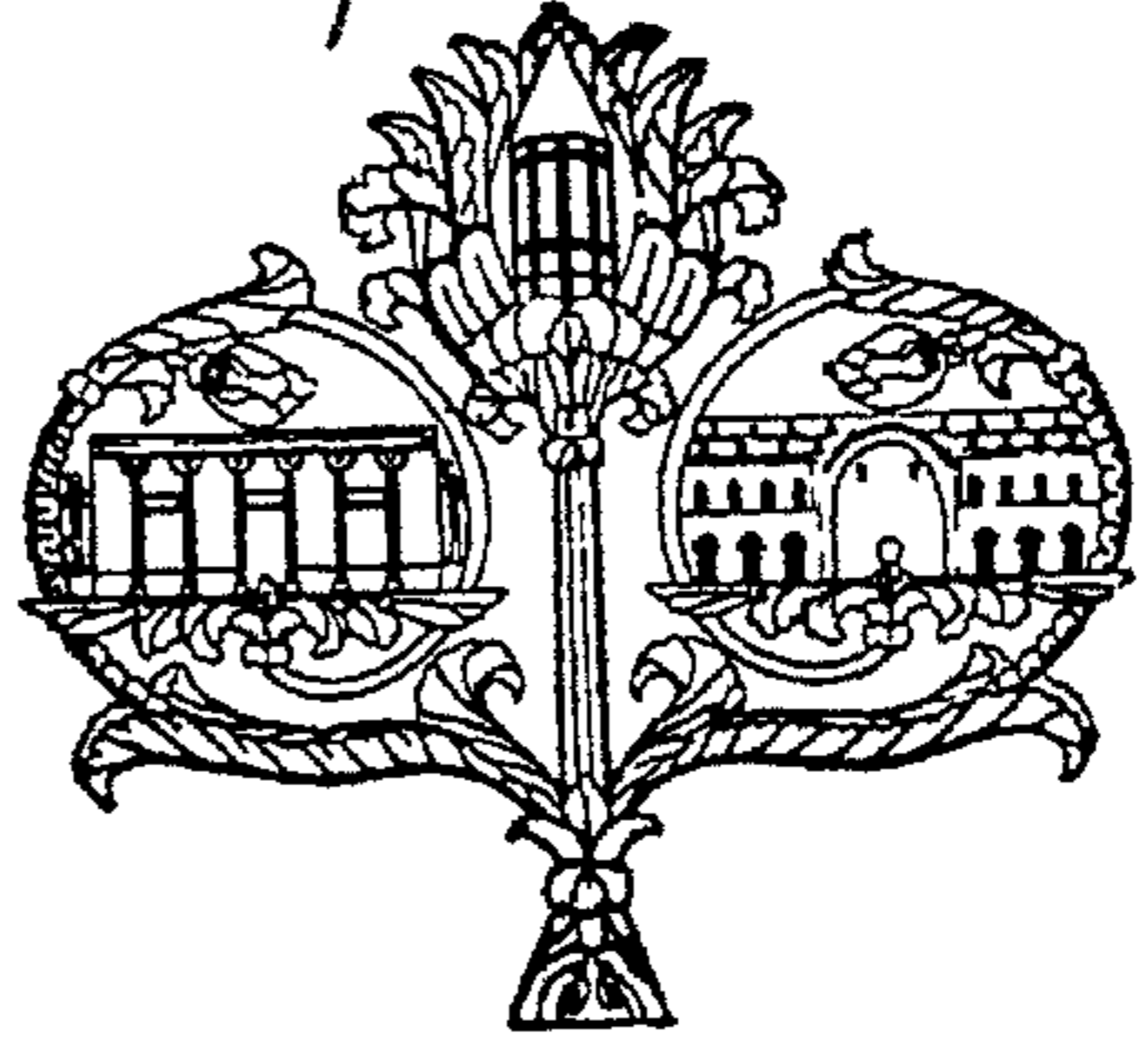


CHECKED

آثار تاریخی

اماکن باستانی فارس



انتشارات انجمن آثار ملی - شماره ۴۸



تألف

سید محمد تقی مصطفوی

چاپ تامان

آذر ماه ۱۳۴۳

تاریخ پایان چاپ

۱۳۱۳

ای نام تو بهترین آغاز

«... ما باید ایران گذشته و چین ایران کنونی را که با شهامت تصمیم، دوران
کوشش بیایه‌ای را در راه تجدید عظمت‌های باستانی خود آغاز کرده است،
بمردم کشور خود و سایر مردم جهان معرفی کنیم...»

فرموده تاج‌شاه، ایران در پنجم بهمن ماه ۱۳۲۸



فهرست مطالب و مندرجات

از خوانندگان گرامی که در جستجوی عنوان مطلبی هستند خواهشمند است چنانکه عنوان مورد نظر خود را در فهرست متن کتاب نیابند به فهرست ذیل و پس از آن به فهرست قسمت ضمیمه مراجعه فرمایند. در این باره در صفحه بیست و پنجم مقدمه نیز اشاره گردیده است. ضمناً پس از پایان فهرست مطالب و مندرجات، و پیش از آغاز مقدمه، یک صفحه غلطنامه قرار دارد. با عرض پوزش فراوان تقاضای تصحیح قبلی اغلاط را مینماید.

مقدمه (بخامه جناب آقای علی اصغر حکمت)

اشاراتی به اوصاف و فضائل فارس و فارسیان با استناد به برخی از آیات قرآن کریم و ذکر نمونه‌ها و منتخباتی از آنچه تذکره نویسان و جغرافیا شناسان و مورخین و جهانگردان و سرایندگان مختلف از ایرانی و مردم کشورهای دیگر درباره سرزمین فارس و اهل آنجا نوشته یا سروده‌اند و ضمن آنها از بعضی سوانح که بر آن دیار گذشته و توصیف شیراز و شیرازیان نیز سخنهایی نغز رفته است....

الف - لو
(۱ - ۳۶)

ماده تاریخ کتاب (اثر طبع استاد جلال الدین همایی)

دو صفحه

تذکار (مبنی بر درگذشت شادروان حسین علاء و انتصاب جناب آقای حکمت به ریاست هیئت مؤسسان انجمن آثار ملی)

دو صفحه

دیباچه

پیشینه باستان شناسی و تاریخی فارس - هنر استادان شیرازی در سرزمینهای بیرون از فارس و چگونگی نفوذ آن - نیم نگاهی به آینده آثار باستانی و تاریخی فارس - ذکر چند نکته برای توجه خوانندگان - یادی از پیشقدمان و سپاسگزاری -

یک سی و شش

متن کتاب

فصل اول - از اصفهان به شیراز

۱-۸

ایزدخواست - آباد و ابرقو - ده بید و بوانات

۸-۱۶

آثار مختلف پاسارگاد

- بین پاسارگاد و مرودشت: تپه‌های ماقبل تاریخی مختلف - آثار تاریخی سیوندوسیدان ۲۰-۱۶
 آثار تاریخی مرودشت: ویرانه‌های استخر - تخت جمشید - نقش رجب - تخت
 گوهر - نقش رستم - آتشکده و نوشته‌های پهلوی حاجی آباد - قدمگاه - آثار پیش از
 تاریخ جلگه مرودشت - آثار اسلامی در جلگه مرودشت (قلعه استخر - بند امیر - پل خان) ۴۹-۲۱

فصل دوم - شیراز

- آثار تاریخی شهر شیراز: دروازه قرآن - قبر خواجوی کرمانی - مشرقی - قربانگاه -
 بابا کوهی - آرامگاه حافظ - چهل تن و هفت تن و تخت ضرابی - چاه مرتاض علی و
 گنبد عضد - آرامگاه سعدی - بقعه شاه میر علی بن حمزه - مجسمه سعدی - ارگ
 کریمخانی - موزه پارس - مسجد وکیل - حمام وکیل - بازار وکیل - مدرسه خان -
 مسجد نو - خانه شیخ سعدی - آستانه شاه چراغ - بقعه سید میر محمد - مسجد جامع
 عتیق - آستانه سید علاء الدین - خاتون قیامت - شاه داعی الی الله - کلیسای ارامنه - دیوانخانه -
 حسینیه قوام - مسجد نصیر الملک - حسینیه مشیر - باغ جهان نما - باغ تخت - پارک
 سعدی - باغ دلگشا - باغ ارم - باغ خلیلی - باغ عقیف آباد ۷۶-۵۰
 آثار تاریخی بیرون شهر شیراز: قصر ابونصر - برم دلك - نقش بهرام
 واقع در گویم - مسجد بردی - پیر بناب ۸۲-۷۷

فصل سوم - آثار تاریخی نواحی جنوب شرقی و مشرق فارس

- کوار - فرمشکان (تل حکوان - قصر احمر - تل دوشقا - تل موشکی) - خفر
 (قبر جاماسب - آثار تادوان) - سروستان (کاخ ساسانی - مزار شیخ یوسف سروستانی)
 - نیریز (مسجد جامع) - فسا (تنگ کرم - تپه گلپان) - اصطهبانات (ایگک یا ایچ)
 - دارابگرد (قلعه دحیه - نقش رستم - مسجد سنگی - آتشکده) - جهرم (کاریان) - لار
 (قیصریه) - چارطاقی فیشور - آثار مختلف پراکنده آن حدود ۹۷-۸۳

فصل چهارم - آثار تاریخی فیروز آباد (و برخی نواحی شهرستانهای بنادر خلیج فارس)

- نقوش برجسته اردشیر بابکان و پل عهد ساسانی در کنار رودخانه تنگاب - قلعه
 دختر - آثار شهر قدیم فیروز آباد (گور) - (مناره و آتشکده) - کاخ اردشیر بابکان -
 قدمگاه و سم دلدل در کارزین - جاده عهد ساسانی (بین فیروز آباد و خلیج فارس)
 آتشکده بزرگ کنار سیاه - کاروانسراهای عهد ساسانی - جاده عهد ساسانی
 (بین فیروز آباد و دارابگرد) آتشکده صمیکان (سیمکان) ۱۰۷-۹۸

فصل پنجم - آثار تاریخی نواحی غربی فارس

- نقش برجسته پل آبکینه - کازرون - آتشکده کازرون - آتشکده بزرگ جرم -
 آتشکده فراش بند - آثار تاریخی سرمشهد (نقش برجسته بهرام دوم و نبشته بزرگ
 پهلوی - ویرانه های خندجان - گور دختر و خزینه - آتشکده فراز مرا آور
 خدایا) ویرانه های شهر بیشاپور - قلعه دختر - تنگ چوگان (نقوش برجسته متعدد
 شاپور و والرین - نقش برجسته پیروزی بهرام دوم - نقش برجسته بهرام اول - نقش
 برجسته بزرگ شاپور دوم (ذوالاکتاف) - مجسمه و شکفت شاپور) - آثار تاریخی
 ممسنی (نقش بهرام - برج نورآباد - ویرانه های مادر دختر و کردر - امامزاده
 درب آهنین - غار کمان - سپیدز - ویرانه های کاخ هخامنشی درسروان - نقوش برجسته
 کورانگون - داو دختر - تل اسپید و یخه سنگر و لوط)
 ۱۰۸-۱۴۰

فصل ششم - آثار تاریخی بوشهر و جزیره خارک

- بوشهر (ویرانه های ریشهر) - آثار تاریخی جزیره خارک (ویرانه های
 عبادتگاه های باستانی - بقعه میرمحمد - گورستانهای پیش از اسلام)
 ۱۴۱-۱۴۷

تصاویر مربوط به متن کتاب

- تصاویر آثار تاریخی ایزدخواست و ابرقو و بوانات
 ۱۵۰-۱۵۵
 تصاویر مربوط به پاسارگاد
 ۱۵۶-۱۶۵
 (نقشه پاسارگاد بین صفحات ۱۵۶ و ۱۵۷ قرار دارد)
 تصاویر آثار عهد هخامنشی در سیدان
 ۱۶۶
 تصاویر مربوط به تخت جمشید
 ۱۶۷-۲۰۹
 (نقشه تخت جمشید بین صفحات ۱۶۸ و ۱۶۹ قرار دارد)
 تصاویر مربوط به نقش رجب و نقش رستم
 ۲۱۰-۲۱۹
 تصاویر مربوط به سایر آثار باستانی مرودشت
 ۲۲۰-۲۲۳
 تصاویر آثار تاریخی شهر شیراز
 ۲۲۴-۲۶۵
 تصاویر آثار تاریخی خارج شهر شیراز
 ۲۶۶-۲۷۰
 تصاویر آثار تاریخی فرمشگان و سروستان و نیریز و دارابگرد و فیشور
 ۲۷۱-۲۸۱
 تصاویر مربوط به فیروزآباد و برخی نواحی بین فیروزآباد و خلیج فارس
 ۲۸۲-۲۹۶
 تصاویر مربوط به آثار تاریخی کازرون و جره و سرمشهد و بیشاپور و تنگ چوگان
 و ممسنی
 ۲۹۷-۳۲۰
 تصاویر آثار تاریخی جزیره خارک
 ۳۲۱-۳۲۳

ذیل

- ۳۲۵-۳۳۲ اطلاعاتی درباره بعضی آثار تاریخی آباده و ابرقو و پاسارگاد
- ۳۳۲ آرامگاه‌های کامبیز و بردیای دروغی
- ۳۳۳-۳۳۶ سلسله نسب هخامنشیان و توضیحی درباره نقش فروهر
- ۳۳۶-۳۵۱ نبشته‌ها و یادگارهای مختلف در کاخ کوچک داریوش و برخی نقاط دیگر تخت جمشید
- ۳۵۱-۳۵۳ نوشته‌های سنگ مزار شیخ علی و چشمه ایوب و سنگ آرامگاه شاه شجاع
- ۳۵۴-۳۵۶ صندوق منبت عتیقه بقعه سید میر محمد و اشعار سنگ قبر ایلخانی
- ۳۵۷-۳۶۱ بقعه خلیفه
- راههای باستانی فارس و اطلاعات مختلف درباره برخی اماکن و آثار باستانی واقع در نواحی فسا و داراب و ده بید .
- ۳۶۱-۳۶۶ آثار سد ساسانی بین جهرم و لار - بازار قیصریه لار
- ۳۶۷-۳۶۹ اطلاعات بیشتر درباره گور دختر و آثار باستانی دیگر ناحیه سرمشهد (نقاره‌خانه - آتشدان سنگی - قنات باغ)
- ۳۶۹-۳۷۵ خاورزمین - برباباییکی - برخطیری - دهن شاه سلیمان - جلگه بسپر - تل شفالی - تل خندق - کوشک - تخته آب شیرین
- ۳۷۵-۳۸۴ آرامگاه‌های چندی از بزرگان در شیراز و زیارتگاه سبزیپوشان در خارج شیراز
- ۳۸۴-۳۸۸ بقاع متبرک کازرون
- ۳۸۹-۳۹۳ امامزاده درب آهنین و بقعه شاهزاده علاءالدین (نزدیک نورآباد - ممسنی)
- ۳۹۳-۳۹۵ توضیحاتی پیرامون ناحیه ممسنی (نوبندگان - تنکبوان - سرآب سیاه) و مقاله
- ۳۹۶-۴۰۴ آقای مهندس منوچهر سالور درباره اهمیت آن ناحیه
- ۴۰۴-۴۰۸ اطلاعات مفید بیشتر درباره پاسارگاد
- ۴۰۹-۴۱۹ مختصری درباره الواح کلی تخت جمشید
- ۴۱۹-۴۲۵ برخی اطلاعات پراکنده درباره بعضی از آثار تاریخی فارس
- ۴۲۵-۴۲۹ اطلاعاتی درباره زیارتگاهها و اماکن متبرک بوشهر و آثار آن شهر و جزیره خارک
- ۴۲۹-۴۳۳ توضیحات مربوط به تعدادی تصاویر از آثار تاریخی و مناظر دیگر فارس

تصاویر مربوط به ذیل کتاب

- (حاوی اشکال مختلف از آثار تاریخی و زیارتگاهها و مساجد و کلیساها و مناظر و غیره) ۴۳۴-۴۷۸
- ضمیمه**
- ۴۷۹-۴۸۰ توضیح در باره سبب تدوین ضمیمه
- پیشینه تمدن پیش از تاریخ در جلگه جنوبی فیروزآباد - آثار قدیمی در نزدیکی
- ۴۸۰-۴۸۲ نودران - گورستان باستانی در نزدیکی بندر طاهری
- ۴۸۲-۴۸۶ توضیحات مربوط به پنج آتشکده موجود در جلگه فراش بند

- توضیح درباره آتشکده‌هایی که مهرنرسی بنیاد نهاده است ۴۸۶-۴۸۹
- آتشکده‌های دیگر که بتازگی در جنوب ایران کشف شده است . ۴۸۹-۴۹۳
- مسجد جامع داراب ۴۹۳-۴۹۶
- ذکر برخی زیارتگاهها و اماکن متبرک و مساجد فارس که ناگفته مانده بود ۴۹۶-۵۰۰
- آثار تاریخی ارسنجان (مسجد جامع - مسجد بالا - مدرسه سعید یا مدرسه سعیدیه - شکفت ضحاک) ۵۰۰-۵۰۳
- اطلاعاتی درباره آثار تاریخی شمال فارس - آس پاس (تپه‌های ما قبل تاریخ نزدیک آن) - چشمه ناز (تنگ جلوه) ، کومه (تل شاهی - تل وزیری) ، قلعه مختارخان - داش قلعه سی یا دژ بهمن ، سمیرم ، کوشک زرد ، ابرقو وهک ، مائین (منطقه ابرج) ، ملک آباد (بلوک کامفیروز ، سد درودزن ، میل تنگ دختر) کوشک ، کوه ایوب ۵۰۳-۵۱۰
- توضیح بیشتر درباره بقعه امامزاده حمزه (ع) واقع در بوانات ۵۱۰-۵۱۳
- اطلاعاتی درباره برخی از آثار باستانی ناحیه ممسنی ۵۱۳-۵۱۴
- مجملی از برخی آثار باستانی در کرانه‌های خلیج فارس (در خاک ایران) ۵۱۴-۵۲۵
- مختصر اشاره‌ای به آثار بندر دیر ۵۲۵-۵۲۶
- پایان ضمیمه کتاب ۵۲۷

تصاویر مربوط به ضمیمه کتاب

- (و تصاویر چندی از بعضی ابنیه و مناظر قابل توجه) ۵۲۸-۵۴۵
- فهرست مآخذ ۵۴۶-۵۵۱
- نقشه نمودار آثار تاریخی تمام ایران
نقشه نمودار آثار تاریخی استان فارس } بین صفحات ۵۵۳ و ۵۵۲
- فهرست اعلام ۵۵۳-۵۶۵
- فهرست اماکن ۵۶۶-۵۸۵
- فهرست نامهای مذکور در مقدمه (که بنحاه جناب آقای علی اصغر حکمت مزین است) ۵۸۶-۵۹۶
- فهرست انتشارات انجمن آثار ملی ۵۹۷-۵۹۹
- نقشه اجمالی استان فارس بزبان فرانسه يك صفحه
- مقدمه‌های اجمالی بزبانهای فرانسه و انگلیسی هفت صفحه
- (در آغاز سمت چپ کتاب)

غلطنامه

با همه کوششی که برای صحت چاپ مطالب کتاب بعمل آمد اغلاطی رخ داد که آنچه جزئی بود و نیاز به توضیح مخصوص برای خوانندگان گرامی نداشت مذکور نیفتاد و بقیه، آنچه بنظر رسید، بشرح زیر معروض میگردد :

صفحه	سطر	غلط	صحیح
چهار (دیباچه)	۶	داد	دارد
هفده (دیباچه)	۱۸	شماره ۵	شماره ۷
د ()	»	« ۶	« ۸
سی ()	۴	نوشته	نوشته
۴۸	۲۳	(۱۲۱ تا ۱۴۳)	(۱۰۲۱ تا ۱۰۴۳)
۵۱	۱۸	محمد	محمود
۵۱	۲۰	۸۳۸	۸۲۸
۷۴	۲۱	شیرازی	هجری
۹۵	۸	چهارم	چهارم
۱۱۱	۲	شاسباج	شاسباج
			(شاه ابواسحاق)
۱۴۱	۱۲	درپناه	تزدیک
۱۸۲	۱	۱۵۸	۱۸۳ - روبرو
۳۳۵	۵	داود دختر	داود دختر
۳۵۲	۵	یاد	یار
۴۰۷	۱	۳۳۱	۳۳۲
۴۳۲	۱۶	جمعه	جمعه
۴۶۲	۱	ش ۵۲۱	ش ۲۵۱
۵۰۵	۳	سیمرم	سیمرم
۵۶۲ (ستون دوم)	۳۱	الامردشت	الامرودشت

مقدمه

بخامه جناب آقای علی اصغر حکمت

بنام خداوند جان و خرد

«اقلیم پارس» را مادام که بنان و بیان نویسندگان و گویندگان پارسی زبان باقی و پایدار است، «غم از آسیب دهر نیست». زیرا در طول مرور ایام و در گذشت سنین و اعوام، همیشه سعی جمیل و کوشش مستمر این جماعت، اوصاف آن کشور هنر پرور را بر صفحه روزگار نقش کرده و با زبان سحر و کلك فتان خود مناقب آن سرزمین را بلهجات شیرین و کلمات دلاویز، بزبان نظم و نثر، مغلطه ساخته اند.

در تاریخ فرهنگی ایران، محامد و اوصاف پارس فصلی بر ازنده و سرگذشت دلپذیری را تشکیل داده که در ذیل کتب جغرافی و تواریخ و تذکره ها و دیوانهای شعر و روایات نثر مسطور و مذکور است. بطوری که، از بدو تأسیس سلطنت پارسیان، یعنی زمان کیخسرو (کوروش) شاهنشاه بزرگ ایران، تا امروز پیایی این پارس نامه مبارک را اخلاف از اسلاف منتقل ساخته و تا بروزگار ما آن سلسله زرین متصل و پیوسته شده است.

اینک در زمان حاضر، نوبت به باستان شناسان هنر مندرسیده است که در این باب فصلی نوین گشوده ثبت آثار تاریخی آن سرزمین را در صفحات آثار خود جاویدان فرموده اند. یکی از آن میان محمدتقی مصطفوی که استادی گرانمایه است، در این ایام با چشم علم و هنر و بادیده دانش و بینش بر آن سرزمین نظر افکنده و همان سنت محمود و روش پسندیده دیرینه را متابعت فرموده حاصل مطالعات ممتد و تحقیقات

طولانی خود را که از مدّ نظر آن علم شریف گرد آورده بود ، بسفارش و دستور انجمن آثار ملی در اوراق و سطور این مجموعه مندرج ساخته است و عکسی جامع و دورنمایی کامل از «اقلیم پارس» در برابر نظر خریدپژوهان دانش‌پرور بگسترده و اسم مطابق مستمی شد .

نویسنده این کتاب مستطاب ، از این سبب در خورستایش است که سراسر بر مشاهدات خود تکیه فرموده و آنچه بچشم سر دیده و یا بانظر معرفت نگریسته بقلم تحقیق در آورده است . بعبارت دیگر بر مسموعات اکتفا نکرده و نامه او مبتنی بر مطالعات موثق و معتمد است که یا شخص مؤلف آنها را باموشکافی و تدقیقی که در خور يك باستان شناس ورزیده است ، روشن ساخته ؛ یا بر پایه اخبار و اطلاعات محکم و مستندات موثق است که از منابع جدیده مختلف به جدّ فراوان و جهد بی پایان جمع آورده است .

مخصوصاً از آن سبب که خاک پارس در منطقه حدوث زلزله واقع شده و هوای آن مرطوب و آب آن فراوان است ، و هم چنین بواسطه تراحمات و انقلابات سیاسی در طول قرون و اعصار ، آثار و ابنیه آن دیار بیشتر از دیگر نواحی ایران محال دستبرد زوال و فنا واقع شده است . خدمتی که مؤلف کتاب «اقلیم پارس» کرده در آن است که آنچه از گزند زلازل و آفات و آسیب حوادث و بلیات محفوظ و بجامانده بدقیق ترین و باروشن ترین بیانی ثبت کرده و برای اعقاب و آیندگان سندی متقن و مرجعی محکم فراهم فرموده است .

نسبت به نقل کلمات دیگران منتهای صداقت و امانت شخص مؤلف از آنجا مشهود است که منابع و مراجع را با رسم ذکر کرده است و حق هیچکس را ضایع نگذاشته و از هر کس که اندک مایه بی یاری و همکاری در این مشروع شریف مشاهده کرده است ، بنهایت امانت ، بلکه بیشتر از حد لازم ، منظور داشته و تقدیم شکر و سپاس کرده است .

کتاب او نه فقط محدود بحقایق محض و مطالب خالص علمی است . بلکه باروشی ساده و روشن و سبک انشائی دلپذیر و روان ، بطوری که خواننده را لذت

بخشد و داننده را دانش افزاید برشته تالیف در آمده و باز کر علائم و مشخصات جغرافیایی آن نکات را مشخص و معلوم داشته و از بیان مطالب تقریبی و ناقص دوری جسته و در حقیقت کتاب او یک تاریخ هنر فارسی است. زیرا در هر موقع فرصت یافته است اساتید فن را از نقاش و خطاط و کاشی ساز و حجّار و معمار و منبت کار و غیر آن که همه از «اقلیم پارس» برخاسته اند و بدیگر بلاد، چون خراسان و ماوراءالنهر و هندوستان، رفته اند، با اسم و عنوان و لقب ذکر کرده و نام آن هنرمندان را زنده داشته است (۱). و در آخر کتاب تصاویر زیبا و عکسهای ظریف، از آثار تاریخی که اغلب آنها تازگی و بداعت دارد، بحسن سلیقه و کمال ذوق برگزیده و کتاب را زینت بخشیده است.

(۱) استاد جلال الدین همایی، هنگامی که از اشاره به این مطلب در مقدمه کتاب اطلاع یافتند، اظهار فرمودند که نام استادان شیرازی در ابنیه تاریخی اصفهان نیز موجود است و در تأیید گفته خود از یادداشتهای گرانبهایشان دو قسمت زیر را با اختیار نگارنده کتاب گذاردند که با عرض سپاس صمیمانه برای اطلاع خوانندگان گرامی و علاقه مندان نقل مینماید:

الف - بر کتیبه بالای محراب شبستان معروف به صفة عمر در مسجد جامع اصفهان (واقع در پشت ایوان شرقی مسجد مزبور) نام استاد بنا و کاشیکار آن چنین مرقوم رفته است: «عمل العبد الضعیف حسن بن تاج بن فخر بن عبدالوهاب الشیرازی البنا» - خواندن کتیبه بالا بعلت دوری و کوچکی خط و پوشیدگی آن از غبار بسیار دشوار بوده است استاد همایی در روز کار جوانی با شور و شوقی که در این گونه خدمات بخرج میداده اند توفیق خواندن آن را یافته اند. در یادداشتهای شخصی نگارنده نام نویسنده کتیبه های محراب مزبور و سال تاریخ آن چنین نقل شده است: «کتبه علی کوهیار البرقوهی تحریراً فی سنة ثمان و سبعین و سبعمائه». بدین قرار در سال ۷۷۸ هجری، یعنی قریب نیم قرن پیش از هنر نمایی استادان شیرازی در خراسان (که در صفحات نه و ده دیباچه کتاب مذکور است) هنگامی که شاهان آل مظفر بر اصفهان و فارس و دیگر نقاط جنوبی ایران حکومت داشتند، کاشیکاریهای معرق در مسجد جامع اصفهان بوسیله استاد هنرمند شیرازی انجام میگرفته است.

ب - کتیبه بزرگ بالای ایوان قبله (ایوان بزرگ جلو گنبد) مسجد شاه اصفهان که بمناسبت تعمیر بنای مزبور در زمان محمد شاه قاجار (بوسیله معتمدالدوله متوجه خان گرجی حاکم اصفهان) مرقوم رفته است بامضای محمد باقر شریف شیرازی و مورخ به سال ۱۲۶۱ هجری میباشد. (توجه خوانندگان گرامی را بتوضیحات مربوط به سهم استادان شیرازی در آثار هنری دوران قاجاریه که طی صفحات هفده و هجده دیباچه کتاب ذکر شده است جلب مینماید).

ضمناً استاد همایی اظهار فرمودند: بر روی گلدان کاشی میناکاری بالای یکی از دو ستون طرفین محراب گنبد غربی مسجد شاه (گنبد گلدسته) نام استاد عبدالرزاق کاشی بزرگمانی مرقوم رفته و نمونه هنر استادان کرمانی دوران شاه عباس نیز در مسجد معظم آن شهر بار جلوه گراست. م.

پس آنگاه از تحمل اتمام بسیار و رنج بیشمار که برای چاپ در این روزگار دامن گیر نویسندگان گرانمایه است ، بهیچوجه تن نزده و با صبر جمیل و سعی بی بدیل ، آن را بقطعی متناسب و طبعی مطبوع بحیله چاپ در آورده ، و الحق نیکوترین یادگاری از ذوق لطیف و سلیقه ظریف خود بجای گذاشته است .

نویسنده این سطور ، اینک بیش از سی سال است که بامؤلف گرامی این کتاب صواب افتخار آشنایی و احیاناً توفیق همکاری داشته‌ام و از نخستین بار که دریکی از اصقاع اقلیم پارس ، یعنی بر فراز صفت تخت جمشید (پرسپلیس) با ایشان اتفاق دیدار روی داد تا کنون همواره رشته و داد و سلسله اتحاد را محکم داشته و بدستگیری و پایمردی ایشان هم در اثناء خدمت در وزارت معارف و هم در دوره همقدمی و همکاری در انجمن آثار ملی متفقاً موافق با یفاء خدمات فرهنگی و ادبی بقدر وسع بوده‌ایم . از نخستین روز که آن رادمرد رادیده و شناخته‌ام ، او را عاشق صادق معرفت و رفیق شفیق اهل علم یافته‌ام . از آغاز خدمت که در رشته باستان شناسی قدم نهاده تا امروز ازین فن شریف دوری نجسته و ازین شاخ بشاخهای دیگر پرواز نکرده و هم واحد و نیت راسخ خود را وقف شناختن و شناسانیدن مفاخر تاریخی نیاکانی و آثار گرانبهای باستانی ایران کرده است . زهی عمر شایسته که این چنین در راه علم و دانش بگذرد !

همین وظیفه را در این نامه نامی نیز الحق بحد کمال ایفا فرموده است و این کتاب چنانچه گفتیم اکنون آخرین حلقه از سلسله فارسنامه‌های باستانی بوده و دارای مطالب بدیع و نوادر لطیف و اطلاعات سودمند و فوائد ادبی پایان است که در دیگر کتب و منابع یافت نمیشود .

امتیاز خاصی که این کتاب بدان متمایز و موصوف است آن است که اکتفا بتحقیقات گذشته اسلاف و مشاهدات سابقان نشده و آنچه که در زمان حاضر و حتی در حین تألیف کتاب اکتشاف شده و جدیدترین امور و تازه‌ترین مطالب را نشان میدهد ، در ذیل و ضمیمه کتاب بر اصل مزید ساخته و آن را بصورت سندی نوومتنی تازه در آورده است که از حیث وسعت دامنه اطلاعات و دقت در بحث و تحقیق بر کتب

گذشته برتری دارد. همانطور که در دیگر کتب و آثار خود که هر يك بفرخور خویش در علم شریف باستان شناسی (ارکئولژی) ایران مقامی رفیع و شأنی منیع دارد، در اینجا نیز سعی کرده است سخن بگزارد و راه بخلاف نپوید. «حد همین است سخن گفتن و زیبایی را».



فضائل فارس و فارسیان و سرمایه استعدادی که آفریدگار جهان در مردم آن سرزمین بودیعه نهاده و بلطافت طبع و کرم اخلاق آراسته است، با انضمام دیگر خصائص طبیعی و مواهب آسمانی، مانند باروری زمین و فراوانی آب و اعتدال هوا و طرب انگیزی خاک همیشه مورد توجه بزرگان جهان بوده و هست و اکثر نویسندگان و گویندگان و سیاحان و جغرافیایان و تاریخ نگاران از مکارم و محامد آن سرزمین و سجایای محموده مردم آن بالسنه گوناگون و به تعبیرات مختلف به نظم و نثر داد سخن داده اند، تا بجایی که ذکر فضائل آن دیار و خصائل اهل آن از همه والاتر و بالاتر در کتاب **مبین الہی** آمده است. چنانکه در ذیل دوسه آیه قرآنی که لسان وحی بمردمی غیر عرب اشاره کرده و از آنها به نیکی یاد فرموده است، مفسران گفته اند که مقصود از آن قوم ایرانیان و پارسیان بوده اند.

از آن جمله در ذیل این آیه شریفه: «**وان تتولوا یستبدل قوماً غیر کم ثم لایکونوا امثالکم**» (محمد ۴۷/۳۸) **نمخشری** در تفسیر کشاف خود، قوم مذکور در این آیه شریفه را مردم **فارس** دانسته است. و همچنین آیه شریفه دیگر: «**بعثنا علیکم عباداً لنا اولی بأس شدید**» (الاسراء ۱۷، ۵) و نیز در این آیت: «**ومن یرتد منکم عن دینه فسوف یأتی الله بقوم یحبهم و یحبونه**» (المائدہ ۵۰/۵) قاطبه مفسران این آیات مبارکات را همه در شأن مردم **فارس** دانسته اند، و روایت کرده اند که چون از

پیغمبر اکرم (ص) پرسیدند: این قوم که دارای این فضائل اند کیستند؟ دست خود را بر کتف سلمان فارسی نواخته فرمود: « هَذَا وَ ذُوهُ » و سپس گفت: « لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَنْوُوطًا بِالثَّرِيَا لِيَتَنَاوَلَهُ رِجَالٌ مِنْ فَارِسٍ »^(۱).

بنا بر روایتی که زَمَخْشَرِي در ربيع الابرار نقل کرده، و خاصه و عامه بر آن متفق اند، از همان حضرت نقل است که فرمود: « اللَّهُ مِنْ عِبَادِهِ خَيْرُ تَانِ فَخَيْرُ تِهِ مِنْ الْعَرَبِ قَرِيْشٌ وَمِنْ الْعَجَمِ الْفَارِسُ » و از همین لحاظ است که امام علی بن الحسین (زین العابدین) را « ابن الخیرتین » لقب داده اند زیرا وی از سوی پدر فرزند زاده علی مرتضی و از جهت مادر نوۀ یزدگرد سوم، پادشاه ساسانی، بوده است.

در مجموعه نهیة الارب فی فنون الادب آمده است که عمر بن الخطاب، خلیفه دوم، روزی در مقام ستایش مردم فارس گفت: « اَلَا اِنْ لَاهِلِ فَارِسٍ عَقُوْلًا اسْتَحَقُّوْا مَا كَانُوْا فِيْهِ مِنَ الْمَلِكِ ».

و نیز در همان کتاب است که در زمان غلبه عبدالله بن زبیر بر مکه خانه کعبه را خرابی روی داده بود، در صدد مرمت بر آمدند. چون معماری هنرور که بتواند بیت الله را چنانکه باید از نو بیاراید در میان تازیان یافت نشد. عبدالله گفت: « اِنْ لَمْ يَجِدُوْا مِنْ يَمَنِيَّةٍ مِنَ الْعَرَبِ فَاسْتَعِيْنُوْا بِاَهْلِ فَارِسٍ ».

جاحظ دانشمند عرب، در کتاب الحيوان بر فضیلت شیراز بر دیگر بلاد چنین شهادت داده و گفته است: « اِنْ شِيْرَازَ اِحْسَنُ مِنْ جَمِيْعِ قَرِيْ فَارِسِ لِمَا نَبَتْهُ طَيِّبَةٌ ».



در اخبار اسلامی و کتب جغرافیون عرب، مناقب فارس و اهل فارس فراوانست و بزبان شعر و نثر هر دو در این باب سخنها گفته اند. از آن جمله دو بیت

(۱) کلام بالا در بعضی کتب بدین صورت ذکر شده است: « لَوْ كَانَ الْعِلْمُ مَعْلُوقًا لَتَرِيَا لَنَا لِه رِجَالٍ مِنْ

اسماعیل بن محمد عصابة الجرجانی است که **یاقوت و المسعودی** نقل کرده‌اند .
میگوید :

الدار داران ، ایوان و غمدان (۱) والملك ملکان، ساسان و قحطان (۲)
الناس فارس والاقليم بابل والاسلام مکه و الدنيا خراسان
همچنین در کتاب **عیون الاخبار** . تألیف ابن قتیبة الدینوری (متوفی ۲۷۶ هـ . ق) که او ظاهراً نخستین کسی است که بنای شیراز را به **محمد بن قاسم بن محمد ثقفی** والی فارس از طرف **حجاج** نسبت داده و گفته است : «هو جعل شیراز معسکراً ومنزلاً لولاية الفارس» ج ۳ ص ۲۲۹ .

و در کتاب **البلدان** تألیف **احمد بن ابی یعقوب بن واضح الیعقوبی** (متوفی ۲۸۴ هـ . ق) که از اقدم کتب جغرافیایی عربست ، گفتاری در فضل فارس و اوصاف تختگاه آن آمده ، از آن جمله میگوید :

«شیراز مدینة فارس العظمی . هی مدینة جليلة ينزلها الولاية ولها سعة حتی انه لیس فیها منزل الا وفيه لصاحبه بستان فیہ جمیع الثمار والریاحین والبقول وکل ما یکون فی البساتین . و مشرب اهلها من عیون تجری فی انهار تأتي من جبال یسقط علیها الثلج ...» .

بعد از **الیعقوبی** . از وصف بلاد فارس و عاصمة آن شهر شیراز در تمام کتب جغرافیایی عرب بلا استثناء سخن رفته است . چنانکه ، در کتاب **المسالك و الممالك** تألیف **ابوالقاسم عبیدالله بن عبدالله الخراسانی** ، مشهور به ابن خردادبه (متوفی در حدود ۳۰۰ هـ . ق) به تفصیل از شیراز سخن آمده است . (طبع بریل ص ۴۲-۱۷۱) .

در **عقد الفرید** (جلد سوم ص ۲۷۹) تألیف **احمد بن عبدربه اندلسی** (متوفی ۳۲۸ هـ . ق) از مملکت فارس و بلاد آن سخن بسیار رفته و از جمله گل سرخ و کلاب **فیروز آباد** را وصف کرده و گفته است :

(۱) ایوان اشاره س ایوان کسری در مدائن و غمدان قصر منسوب به بلقیس ملکه یمن در صنعاست .

(۲) قحطان اشاره است بعرب بنی قحطان که در شمال حریره عربستان سکنی کرده بودند و فریش از آن ریشه انشعاب یافته‌اند .

«ومنها مدينة يقال لها **جور** (معرب **گور**) واليها ينسب ماء الورد الجوري...» (١).

در **المسالك و الممالك** تأليف **ابن حوقل** (**محمد الموصلي** متوفى ٣٢١ هـ . ق) آمده است :

«مدينة **شیراز** جلیلة واسعة لها منازل سريه كثيرة المياه وليس يكاد يخلو دارا بشيراز من بستان حسن ومياه تجرى واسواقها عامرة جلیلة» .

و در کتاب **مرصد الاطلاع في اسماء الامكنة والبقاع** تأليف **ابو اسحاق محمد الاصطخري** (مؤلف در حدود ٣٤٠ هـ . ق) ج ٢ طبع بریل آمده است :
«فاما **اهل فارس** فكانوا في سالف الدهر اعظم ملكا واشدهم شوكة وكانت العرب يدعوهم احرارا» .
و در وصف **شیراز** آمده : «امام مدينة **شیراز** فانها مدينة اسلامية و بنيت في الاسلام و سميت بشیراز تشبيهاً بجوف الاسد ... وليس عليها سواد وهي مشتبكة البناء كثيرة الاهل ...» .

و دیگر مورخ **شهبير** . **ابو الحسن علي بن حسين المسعودي** (متوفى ٣٤٦ هـ . ق) در کتاب **التنبيه والاشراف ميگويد** : «**الفارس** كانوا اهل العز الشامخ والشرف البازخ والرياسة والسياسة ، فرساناً في الوغى صبورا عند اللقاء . ادت اليهم الامم الاقادت وانقادت الي طاعتهم خشية صولتهم وكثرة جنودهم ...» .

در **احسن التقاسيم في معرفة الاقاليم** . تأليف **شهر الدين المقدسي البشاري** (متوفى ٤١٤ هـ . ق) آمده است :
«هذا اقليم نراه معادن وجباله مشاجر...» ص ٤٢٠-٤٣٣ .

همچنين در کتب : **مختصر کتاب البلدان** تأليف **احمد بن اسحق همداني** ملقب به **ابن الفقيه** از علماء او اخر قرن سيم ، و نیز **معجم البلدان** تأليف **ياقوت بن عبد الله الرومي الحموي** (متوفى ٦٢٦ هـ . ق) و **اخبار الدول في آثار الاول** تأليف

(١) در بهار سال ١٣٣٨ ش که نگارنده کتاب برای بازديد نقش برجسته سنگي مکشوف در قبه حکوان از آبادی علی آباه ميگذشتم (در صفحات ٨٥ و ٨٤ . متن کتاب توضیح مطلب داده شده است .) تصادفاً مقدار فراواني شیشه های سر بسته گلاب دیدم که زیر سایه درختان درون سبزه زار جیده بودند و آقای جلال آرين مالک محترم آبادی مزبور در جواب استفسار اينجانب فرمودند: تهیه گلاب در نواحی مستعد خاک فارس از زمانهای دیرین متداول بوده صدور آن نواحی اطراف خلیج فارس هم پیشینه تاریخی دارد . (یکی از مستعدترین نقاط پرورش گل و تهیه گلاب در خاک فارس مینند است) م .